

## بازگشت روسیه به خاورمیانه

مسلمانان روسی نیز تلاش دارند بیشتر خود را مطرح سازند اگرچه وابستگی روسیه به کمک های اقتصادی غرب دامنه مانور این کشور را شدیداً محدود می سازد.

اعلام دیدار حافظ اسد رئیس جمهور سوریه از مسکو در پائیز (۱۹۹۸) - که اولین دیدار وی پس از آوریل ۱۹۹۰ یعنی هنگام موجودیت اتحاد شوروی بود - مهر تأییدی بر منافع مجدد روسیه در جهان عرب تلقی می شد. با اینهمه به طور قطع روند صلح همچون یک امتیاز در انحصار آمریکا باقی ماند، ولی نمی توان زمان تداوم آن را

از هنگام گسترش ناتو به سمت شرق که امیدهای پیشین مسکو را در خصوص پیوستن به غرب از بین برد، روسیه سیاست خارجی مستقلی را در پیش گرفته است که اساساً برپایه ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه و نیز کشورهای نافرمان که از سوی واشنگتن تحریم شده اند استوار است از جمله امتیازات روسیه دهها هزار کارشناس عرب زبان ضد آمریکایی شوروی سابق در منطقه است. در همین حال

مشخص کرد. اما مسکو در عین حال در صدد نفوذ در مناطق دیگر است. این کشور می‌توانست مذاکرات اسرائیل - سوریه را تحت تأثیر قرار دهد و مناسبات نظامی را - با سوریه - از سر گیرد. طبق گفته‌ی سفیر روسیه در دمشق، مسئله‌ی بدهی سوریه که از سوی این کشور ۱۱ میلیارد دلار برآورد شده بود، حل شده است و در واقع مطبوعات روسیه اعلام کرده‌اند که سوریه امیدوار است از روسیه موشکهای ضدتانک و نیز موشکهای S-300 زمین به هوا خریداری نماید!

با وجود تلاش روسیه برای ایجاد دوباره جای پائی در خاور نزدیک، این کشور حق تقدم را به مناطقی همانند آسیای مرکزی، ایران، ترکیه و عراق می‌دهد که به منافع و مرزهای استراتژیک آن نزدیکتر هستند. با این فلسفه‌ی عملی جدید، سؤالاتی در خصوص مقاصد روسیه مطرح می‌شود. یعنی آیا بازگشتی به سیاست جنگ سرد وجود خواهد داشت؟ یا مسکو صرفاً در تلاش است تا در شرایطی که قدرت آمریکا حاکم است قواعد جدیدی در جهت حرکت به سمت نظامی چند قطبی تعریف کند. این سؤالات با انتصاب صاحب منصب کمونیست سابق، یوگنی پریماکوف<sup>(۱)</sup> بعنوان نخست‌وزیر ارتباط تازه‌ای می‌یابند. احساس عصر گذشته - جنگ سرد - با وجهه‌ای که روسیه در جریان بحران خلیج - فارس - در ژانویه و فوریه ۱۹۹۸ از خود نشان داد از سوی مفسران و روزنامه‌نگاران ایالات متحده به نشانی از سیاست جنگ سرد روسیه تعبیر شد. همانگونه که ریچارد پریل<sup>(۲)</sup> صاحب منصب پیشین وزارت دفاع و یکی از طرفداران سیاست واژگونی صدام حسین یادآور شد: «پریماکوف مارا به روزهای برژنف و گرومیگو بازگردانده است.

پریماکوف هنوز از این واقعیت که اتحاد شوروی جنگ سرد را باخت ناراحت است. بنابراین باید به کرملین فهماند که انتصاب پریماکوف بعنوان وزیر امور خارجه (در ژانویه ۱۹۹۶) گامی به عقب می‌بود.»

ویکتور یوسووالیوک، مسئول امور خاورمیانه روسیه در آن زمان، قاطعانه اتهام جنگ سرد را تکذیب کرد و بعنوان سفیر

1. Yevqeny Primakov  
2. Richard Perle

سابق روسیه در بغداد و کارشناس مجرب مسائل اعراب، در رابطه با بحران عراق و اهداف روسیه اظهار داشت: «اگر ما اصول جنگ سرد را به کار برده بودیم؛ می‌بایست در پشت صحنه برای ترغیب عراق به شروع ناگهانی عملیات جنگی کار می‌کردیم. در آن صورت ایالات متحده بهای گزافی برای حملات و بمباران خود می‌پرداخت و ما نیز سود می‌بردیم. در حالی که همانطور که مشخص شد همه تلاش ما بر دستیابی به راه حل صلح‌آمیز و تداوم همکاری میان پنج عضو دایم شورای امنیت معطوف شده بود.»

ایالات متحده و روسیه: دورقیب و نه دو مخالف  
پرسشی که مطرح است این که چه چیزی در زمان اتحاد شوروی موجب تحرک سیاست روسیه بوده است؟

یکی از مختصرترین توضیحات که در روزنامه با نفوذ نزاویسیا یا گازتا، ارائه می‌شود این است که «برای درک سیاست خارجی روسیه باید به سال ۱۹۹۱ بازگردیم. در آن زمان هدف روسیه پیوستن به غرب بود و این کشور سیاست خارجی طرفدار غرب را اتخاذ کرد. شاید این سیاست هرگز عملی نبوده

است، اما چه عملی و یا غیر عملی، غرب حاضر به پذیرش روسیه نشد و این موضوع را با گسترش ناتو برای دربرگیری سه کشور سابق پیمان ورشو روشن ساخت. گسترش ناتو به خودی خود تهدیدی برای امنیت روسیه محسوب نمی‌شود اما به طور قطع به این معناست که در ساختار سیاسی استراتژیکی که از سوی غرب در حال شکل‌گیری است هیچ جایی برای روسیه وجود ندارد.» در این صورت روسیه با دوحق انتخاب روبرو بود یکی تن دادن به ایفای نقش یک شریک خردپا برای غرب و دیگری تعقیب سیاستی مستقل که بر اساس منافع این کشور هدایت می‌شود. همچنین باید مراقبت شود تا این سیاست ضدکشورهای غربی نباشد. روسیه راه دوم را برگزید. روزنامه اینترنشنال هرالد‌تربون می‌نویسد: «روسیه و آمریکا دشمن نیستند اما مجبورند که رقیب باشند»<sup>۲</sup>

حال مدت زمانی است که نقش جهانی روسیه به موضوع مناظره‌تندی در مسکو تبدیل شده است. هرچند بسیاری از جنبه‌های این نقش هنوز بحث برانگیز می‌باشد؛ اما در خصوص نیاز به نظم جهانی

چند قطبی اتفاق نظر پدیدار شده است. به کشورهای دیگر است.»

تقریباً دیگر هیچ کس در روسیه مؤافق همسویی با سیاست آمریکا نیست. نه تنها حزب کمونیست، بلکه اکثر احزاب سیاسی، نقش جهانی روسیه را انکار نمی کنند و همه این عوامل، دولت و نخبگان کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. در عین حال همانگونه که پوشکوف یکی از مسئولان امور بین المللی روسیه اظهار می کند: «ایالات متحده از روسیه می خواهد که در این کشورهای دموکراسی پیاده کند، اما در عین حال نمی خواهد آنرا بحساب آورد.»

ولادیمیر لوکین، رئیس کمیته امور خاورمیانه ای دومای روسیه در هنگام بازگشت از ایالات متحده اظهار داشت: «تازه ترین بحران عراق مؤید این موضوع است که یک ابرقدرت نمی تواند تمام مشکلات جهان را به تنهایی حل کند. علیرغم این واقعیت که ایالات متحده در جریان بحران، در ارتباط با هم پیمانانش بد رفتار نمود، باید گفت در جامعه بین المللی نوعی تقسیم کار وجود دارد و واشنگتن مجبور خواهد بود تا با آن کنار آید. آنچه که انسان را متعجب می سازد، عدم توجه نسبت

واضح است که جهان سالها تحت حاکمیت تنها ابرقدرت جهانی خواهد ماند، اما قابل پرسش است که روسیه در مرحله گزر چگونه عمل کند؟ ویتالی ناومکین کارشناس خاورمیانه و نایب رئیس سابق مؤسسه مطالعات شرق شناسی و رئیس کنونی مرکز پژوهشهای استراتژیک و مطالعات بین المللی مسکو، از کاربرد محتوای نگرشهای در حال تغییر روسیه چندان مطمئن نیست و بنابراین می پرسد: «آیا ما باید کشورها را برای تعقیب منافع ملی خود ترغیب نماییم؟ آیا باید به جاه طلبی های ترکیه، ایران یا چین میدان بدهیم؟ آیا جهان چندقطبی الزاماً به معنای هر کشور برای خود است؟»

در هر حال، روسیه در بازی عقب مانده است. با توجه به اینکه روسیه می خواهد نقشی در عرصه جهانی ایفا نماید: سؤال این است که تلاشهای این کشور باید معطوف کجا شود؟ توضیح این است که در بسیاری از کشورها نقاط اساسی تصرف شده اند.» هیچ نفعی در تلاش برای ایفای نقش در مناطقی چون عربستان سعودی یا

آمریکای لاتین که عمیقاً از ایالات متحده حمایت می‌کند؛ وجود نخواهد داشت. آنچه باقی می‌ماند حوزه‌های قدیمی نفوذ مسکو و حتی کشورهای «نافرمان» است. در واقع خاورمیانه بزرگترین کانون کشورهای است که از سوی واشنگتن تحریم شده‌اند: ایران - عراق - لیبی و حتی تا اندازه‌ای سوریه از جمله این کشورها تلقی می‌شوند. این کشورها برای مسکو فضای بازی ایجاد می‌کنند و خاورمیانه همچنین منطقه‌ای است که منافع روسیه از نظر تاریخی در آن بسیار قوی است.

### کارتهای روسیه در بازی خاورمیانه

متخصصان روسیه سه حوزه را برای منافع این کشور تشریح می‌کنند که بر حسب اهمیت عبارتند از اول حوزه جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز که سابقاً قسمتی از اتحاد شوروی بودند و در حال حاضر اعضای کشورهای مستقل مشترک المنافع هستند. حوزه کشورهای واقع در مرزهای جنوبی کشورهای مشترک المنافع که افغانستان، ایران، و ترکیه را شامل می‌شوند و در آخر کشورهای

عربی و اسرائیل. پرسووالیوک مسئول امور خاورمیانه، روسیه را جزء مکمل این منطقه قلمداد می‌کند: زیرا او معتقد است «هرچه در این منطقه روی دهد، ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حقیقاً ما در موقعیتی ضعیف‌تر قرار داریم و منابع مالی ما نیز محدود می‌باشد. و بنابراین ما دیگر نمی‌توانیم اعتبارات نامحدود در اختیار هم‌پیمانان خود بگذاریم. همچنین ما مجوز نداریم تا مقادیر بی‌پایانی اسلحه عرضه کنیم، اما از مزایای خاصی برخورداریم.»

یکی از این مزایا این است که روسیه دیگر محصور اتحادهای ایدئولوژیک دهه ۱۹۸۰ نیست. این کشور دیگر عامل نفوذ بی‌ثباتی و مسبب انقلاب و الحاد تلقی نمی‌شود. بنابراین شبکه متراکمی از روابط با همه کشورهای منطقه از عربستان سعودی تا مصر را گسترش داده است. این شبکه، اسرائیل را در برمی‌گیرد که هم اکنون در آن چند صد هزار مهاجر اتحاد شوروی سابق با وطن خود در ارتباط هستند و همانند نوعی «گروه ذینفوذ یهودی» فعالیت می‌کنند. به همین دلیل مخالفت با دولت بنیامین نتانیاهو هیچ تأثیر سویی برای روابط تجاری

پرسود میان دو کشور (۷۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶)، روابط فرهنگی نزدیک و مشورت‌های سیاسی مداوم نداشته است. ناتان شارانسکی مخالف سابق دولت شوروی - و وزیر بازرگانی و صنعت اسرائیل که هم اکنون ریاست حزبی را به عهده دارد نشانگر مهاجران روسیه در اسرائیل است و نقش فعالی در این خصوص دارد. همچنین دیدار سیاستمداران عالیرتبه اسرائیل شامل نتانیاهو، آریل شارون و اریگلدور خالانی Arigdor Kahlani از مسکو با توجه با اینکه اتحاد شوروی حتی با اسرائیل روابط دیپلماتیک نداشت، تجربه ای متفاوت بحساب می آید.

ممكن است این واقعیت که در حال حاضر مراکز قدرت رقیب متعددی در مسکو وجود دارد، امتیازی برای روسیه به شمار آید زیرا شرکت‌های نفت و گاز، نمایندگی‌های صادرات اسلحه و تجار روسی می‌توانند از این به بعد آزادانه سیاست‌های خود را دنبال کنند. این موضوع در مورد مراجع قدرت مختلف همچون کرم‌لین، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و دوما صادق است. البته تنوع مراجع تناقضاتی را نیز در پی داشته است. به طور مثال دوما نسبتاً طرفدار عراق است و دولت بیشتر محافظه کار است در حالیکه کرم‌لین روی خوش بیشتری به گروه دینفوذ یهودی نشان می‌دهد. نمایندگی‌های صادرات اسلحه به ترکیه اسلحه می‌فروشند و این کشور می‌تواند از این اسلحه‌ها بر ضد شورشیان کُرد استفاده کند. در همان حال

تادهه ۱۹۸۰ کویت تنها کشور حوزه خلیج فارس بود که روسیه در آن حضور داشت. هم‌اکنون روسیه در همه کشورهای حوزه خلیج فارس سفارت دارد و در صدد فروش اسلحه به آنهاست. بسیاری از تجار روسی در این حوزه (به تنهایی حدود ۷۰۰۰ نفر [به انضمام خانواده‌هایشان] در امارات متحده عربی فروشگاه دایر نموده‌اند. در واقع روسیه دارای هزاران کارشناس بسیار مجرب در امور اعراب است که دانش عمیقی

دولت، سیاست آنکارا را در قبال کردها تقبیح می کند. با وجود مشکلاتی که ممکن است این تناقضات به وجود آورد؛ وجود مراکز متنوع قدرت این معنا را نیز در بردارد که «سیاست روسیه» به شکل فزاینده ای انعطاف پذیر است.

در نهایت روسیه همانند اروپا از احساس فزاینده ضد آمریکایی در منطقه که در افکار عمومی، میان روشنفکران و حتی دوایر دولتی مشهود است، سود می برد. تضاد میان کمروبی رئیس جمهور بیل کلینتون در مواجهه با دولت نتانیاهو و اتخاذ سیاستی سخت در رابطه با عراق نشانگر تداوم استانداردهای دوگانه ای است که در جریان جنگ خلیج فارس بسیار از آن انتقاد شد. بنابراین مخالفت با دورنمای تداوم حاکمیت نظم نوین بین المللی ایالات متحده در دستان مسکو است و در واقع نقش روسیه در بحران خلیج فارس بخشی از عملکرد این امتیاز بود. به همین دلیل

رهبران عراق محتاطانه در تلاش بودند تا مسکو را طرفدار خود کنند. در جریان بحران و قبل از آن، تلاشهای روسیه که - با وجود عدم موفقیت - در جهت شکست آنچه امتیاز

انحصاری آمریکا در مورد انسکام (UNSCOM) تلقی می شد، از طریق افزایش گروه کارشناسان، شرکت در نظارت هوایی بر قلمرو عراق، حمایت قاطعانه برای لغو تحریم در کوتاهترین زمان ممکن و مخالفت صریح این کشور با گسترش حاکمیت نامحدود بر عراق، با سوده های اقتصادی پاداش داده شد. در طی مرحله سوم توافقنامه نفت در برابر غذا (دسامبر ۱۹۹۹ تا مه ۱۹۹۸) دوازده کمپانی روسی قادر به خرید ۴۰ درصد از نفت صادراتی مجاز بودند.<sup>۴</sup> عراق همچنین حق بهره برداری از منطقه نفت خیزالقرنه را به محض لغو تحریمها با شرایطی بسیار مطلوب در اختیار روسیه گذارد. مسلماً شرکتهای روسی در مسکو همچون گروههای دینفوذ طرفدار بغداد عمل می کنند. رهبران ایران نیز متوجه هستند که روسیه می تواند وزنه متقابل مفیدی در مقابل سیاست «محاصره» باشد که واشنگتن در تلاش برقراری آن است.

### اتحاد با ایران

تصمیم واشنگتن در ماه مه ۱۹۹۸ برای تعلیق اقدامات قانونی بر ضد شرکت

نفتی توتال (فرانسه) گاز پروم (روسیه) و پتروناس مالزی که توافقنامه را با ایران برای بهره‌برداری از یک میدان عظیم گازی امضاء کرده بودند، نمایانگر تغییر سیاست آمریکاست. قانون تحریم ایران - لیبی (ILSA)<sup>(۱)</sup> که در سال ۱۹۹۶ از سوی کنگره تصویب شد، در سراسر دنیا بویژه اروپا با مخالفت شدیدی مواجه شد. این قانون عملاً به کاخ سفید اجازه می‌دهد تا تحریمهایی را بر شرکتهای خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش انرژی لیبی یا ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند، تحمیل کند. از هنگام انتخاب محمد خاتمی بعنوان رئیس‌جمهور بویژه از هنگام سخنرانی او با شبکه CNN دولت کلinton ژست‌های حسن

نیتی را اتخاذ کرده است. با وجود موانع متعدد از جمله مخالفت کنگره، و مبارزات داخلی در ایران - پیشرفتهای جدید در عرصه روابط ایرانیها و آمریکاییها بیشتر متحمل می‌نماید.

اما در مسکو هر نوع تجدید روابط احتمالی ایالات متحده و ایران با حساسیت و نگرانی پیگیری می‌شود. انتقادات ایالات

متحده از همکاری روسیه با برنامه هسته‌ای غیر نظامی ایران تعجب‌آور است. نماینده وزیر امور خارجه روسیه توضیح می‌دهد: «درست است که ما در حال کمک به ایرانیها جهت احداث نیروگاههای هسته‌ای در بوشهر هستیم اما این نیروگاهها از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نظارت می‌شود. ما به کلیه تعهدات بین‌المللی خود احترام می‌گذاریم. گسترش سلاحهای کشتار جمعی در مرزهایمان، نفعی برای ما در بر ندارد.» روسیه هرگونه کمکی را در زمینه ساخت موشک‌های بالستیک ایران رد می‌کند اگر چه انکار نمی‌کند که ممکن است مواردی بطور غیر قانونی به ایران انتقال داده شده است.

تجارت روسیه با ایران در سال ۱۹۹۷ به ۵۵۰ میلیون رسید که بیش از رقم ۲۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۹۶ و کمتر از رقم ۷۲۳ میلیون دلاری سال ۱۹۹۳ بود. روابط تجاری میان روسیه و ایران در مقایسه با روابط میان ترکیه و ایران ناچیز است. با اینهمه مناسبات سیاسی و استراتژیک آنان بسیار نزدیک است. روسیه ابزار نظامی با



تکنولوژی پیشرفته بویژه هواپیمای میک ۲۹ و سوخوی ۲۴ در اختیار ایران می‌گذارد. در مورد شماری از درگیری‌های منطقه‌ای همگرایی نزدیکی میان آنها وجود دارد. از جمله مخالفت با طالبان در افغانستان، مخالفت با حملات نظامی بر ضد عراق و ... دو کشور همچنین در خصوص دریای خزر که بر اساس نظر تعدادی از کارشناسان ذخایر نفتی آن عظیم است، نظرات مشابهی دارند. هر دو کشور تأکید می‌کنند که قرارداد ۱۹۸۲ در خصوص حقوق دریاها شامل دریای خزر که از هر طرف محاط بر خشکی است؛ نمی‌شود. قلمروهای شوروی سابق که از سوی مسکو و تهران در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ امضاء شد؛ هنوز پایه قانونی برای هر نوع تقسیم آبهای خزر و منابع آن می‌باشد و اصلاحات تنها از طریق توافق میان همه طرفهای ذینفع امکانپذیر خواهد بود...

طبق گفته اوبتالی ناومکین اتحاد مسکو - تهران ریشه در این واقعیت دارد که هر دو کشور مخالف تلاشهای قدرتهایی هستند که بدلائل مختلف در تلاش برای دور نگاه داشتن آنان از ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی عمل می‌کنند.<sup>۶</sup> با این حال این

اتحاد بدون تناقض نیست. به عنوان مثال در تاجیکستان - که تهران و مسکو برای برقراری آشتی میان دولت تاجیک و جنبش احیای اسلامی تاجیکستان (MIRT) همکاری نزدیک دارند.<sup>۷</sup> روسیه مصمم است تا آنچه را که همکاری «استراتژیک» با ایران می‌نامد، دنبال کند. با این همه روسیه بر روی همه شرکت‌هایی که در زمینه موشک یا انرژی هسته‌ای فعالیت می‌کنند، نظارت‌های ویژه صادرات اعمال می‌کند. سخنگوی بوریس یلتسین می‌گوید: «تولید سلاح‌های هسته‌ای و انواع دیگر تسلیحات کشتار جمعی، تکنولوژی تولید آنها و ابزار ارائه، بویژه در کشورهای مجاور و نزدیک به روسیه، تهدیدی جدی برای امنیت به شمار می‌رود.»<sup>۸</sup> این موازین نظارتی ظاهراً کنگره ایالات متحده را متقاعد نمی‌سازد، در حالیکه هر دو کاخ قانون تحریم تولید موشک از سوی ایران را اتخاذ کرده‌اند.<sup>۹</sup>

### مسکو و آنکارا

روابط رو به گسترش ترکیه و روسیه در بسیاری جهات متناقض است. ترکیه شریک

عمده تجاری روسیه در خاورمیانه است، و طبق گزارشات تجارت قانونی و غیرقانونی با آن بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار در سال است. روسیه به همسایه خود اسلحه فروخته و در صدد است تا برای این کشور هلیکوپترهای جنگی بسازد. این دو کشور در جریان دیدار رئیس ستاد کل نیروهای ترکیه، از روسیه

یادداشتی برای تقویت امنیت منطقه ای خود امضاء کردند. آنان همچنین توافقنامه همکاری بین المللی مهمی را که شامل مانورهای آموزشی و مشترک می شود به امضاء رساندند.<sup>۱۱</sup>

با اینحال در رابطه با اغلب مسائل سیاسی حساس دو پایتخت در تضاد و حتی در ارودی خصم قرار دادند. آنکارا از آذربایجان بر علیه ارمنستان در ناگورنو-قره باغ حمایت می کند. این کشور حامی شورشیان چچنی در مقابل روسیه است و بدنبال تأسیس خط لوله هایی در دریای خزر است که از قلمرو روسیه عبور می کنند و بویژه در آسیای مرکزی وقفه‌هاز آنکارا، سیاستی را دنبال می کند که یادآور رقابتهای روسیه و عثمانی در گذشته است. این کشور سخت در تلاش است تا

### عامل مسلمانان

یکی از عواملی که سیاست روسیه را در منطقه تحت تأثیر قرار می دهد، اسلام است. بر طبق گفته آلکسی مالاشنگو،

محقق، در مسائل اسلامی «رویدادهای خاورمیانه و خلیج فارس بازتابی در روسیه، چین، و همسایگان نزدیک آن از جمله تاجیکستان، افغانستان و ... خواهد داشت. ممکن است وحدت اسلامی تنها یک شعار باشد اما نمی توان منکر تأثیر خاورمیانه بر گسترش اسلام رادیکالی در قفقاز شد.» مطبوعات روسیه پیوسته در خصوص تهدید بنیادگرایی اسلامی بحث می کنند. اما همانگونه که رویدادهای چین، داغستان و دره فرقان ازبکستان نشان داده اند، تهدید همیشه خیالی نیست. حمایت عربستان

سعودی از گروههای شورشی در این مناطق

نقش قابل ملاحظه ای در ایجاد مشکل در

جریان عادی سازی صادقانه روابط میان

مسکو و ریاض ایفا می کند. در حقیقت

هنگامی که وزرای کشور (کشورهای مستقل

مشترک المنافع) در اوایل ژوئن برای تنظیم

برنامه همکاری جهت تعقیب افراطیون، با

یکدیگر دیدار کردند، وزیر کشور روسیه

اظهار کرد که افراط گرایی اسلامی و به شکل

ویژه «وهابیت گرایی» مشکلی بحرانی در

سراسر کشورهای مستقل مشترک المنافع

بوده است.

یکی از رهبران مذهبی با نفوذ مسلمان در روسیه، می گوید: دگرگونیها در امور مسلمانان از هنگام اجرای قانون «آزادی عقیده» آغاز شده است که بر اساس آن مسلمانان توانسته اند سازمانهای مذهبی ایجاد نمایند؛ ادبیات مذهبی منتشر کنند و اسلام را از طریق مطبوعات و کلاسهای مذهبی تبلیغ کنند. وی اظهار می کند: «پایان کمونیسم خلایی ایجاد نمود که ما سعی کرده ایم آن را با ارزشهای مذهبی پر کنیم. حال جوانان به سمت ما روی می آورند.»

### نتیجه

به تدریج روسیه با مسئله از

دست دادن وجهه خود بعنوان قدرتی برتر

در کنار ایالات متحده، کنار می آید. پس از

اتخاذ نظریه اوایل دهه ۱۹۹۰ که طبق آن

رهبران روسیه معتقد بودند این کشور

می تواند به غرب بپیوندد و عقب ماندگی خود

را «فراموش» کند، مسکو در حال حاضر

در صدد تعریف اولویتهای منافع خود و نقشی

است که می تواند در عرصه بین المللی بازی

کند. همانگونه که یک کارشناس اظهار

می‌کند: «ما معتقد بودیم که می‌توانیم به خاطر منافع خود از آسیای مرکزی صرف‌نظر کنیم اما به دلیل همین منافع و درگیری‌هایی که در آنجا رخ داد مجبور به بازگشت شدیم.» به طور کلی در جهانی که در آن رقابت شدیدی میان قدرتها حکمفرماست، مسکو مجبور شد که توهما پروستاریکا را بویژه با در نظر گرفتن اروپا بعنوان موجودیتی مجزا کنار گذارد و نقش خود را برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی ایفا کند. این موضوع بهیچوجه به معنای بازگشت به جنگ سرد نیست اما صرفاً این نکته را دربردارد که «نظم نوین جهانی» با موازنه قدرت اداره می‌شود نه قانون بین‌المللی.

باین حال تشریح یک سیاست خارجی که واقعیتهای جدید را مورد توجه قرار دهد برای روسیه کار آسانی نیست. این موضوع در جریان بحران مالی سیاسی که کشور را در ماه اوت به شکل دردناکی به لرزه در آورد، و مشکلاتی که در جریان انتصاب نخست وزیر پدیدار شد و ابهاماتی که آینده بوریس یلتسین را در برمی‌گیرد، مشخص شده است. دولت باید شکل گیرد، نیروهای سیاسی دولت در حال تشکیل مجدد است و

توجه دولت برای مدتی به کنار آمدن با مشکلات گسترده اقتصادی و اجتماعی معطوف خواهد بود.

با این شکنندگی، وابستگی به غرب که در حال حاضر بسیار با اهمیت است، در ماههای آتی افزایش خواهد یافت. این موقعیت فشار مضاعفی بر سیاست مسکو وارد می‌آورد: از توانایی روسیه برای ارائه کمک به کشورهای منطقه می‌کاهد، عدم تمایل مسکو را برای انجام عملی که ممکن است موجبات ناراحتی واشنگتن را فراهم آورد و به مخالفت دولت یا کنگره با کمک اقتصادی به روسیه منجر شود، افزایش می‌یابد. این وابستگی در عین حال که یلتسین را از محکوم کردن حملات موشکی آمریکا در افغانستان و سودان باز نمی‌دارد، حیطة واقعی مانور کرملین را در موقعیت کنونی مشخص می‌کند.

بنابراین همچون مسئله عراق، اگر بحران جدیدی گسترش یابد، روسیه مانورها و میانجیگریهای محتاطانه در سازمان ملل، برای جلوگیری از حملات نظامی صورت خواهد داد.

اخیراً در ماه جولای، نماینده دائم

## یادداشتها:

- 1- *Mideast Mirror*, 11 June 1998.
- 2- *The International Herald Tribune*, Leaders, 15&16 February 1998.
- 3- *International Herald Tribune*, 2 April 1998.
- 4- *Le Petrole et Le Gaz Arabs*, July 1998.
- ۵- بعد از پیروزی طالبان، مسکو تقویت حضور نظامی خود در مرزهای کشورهای مستقل مشترک المنافع CIS را برای جلوگیری از هرگونه نفوذ اعلام کرد. گرچه بعید به نظر می‌رسد که طالبان بخواهد الگوی خود را به مرزهای شمالی خود منتقل کند. مسلمانان روسیه نیز تمایلی از خود نسبت به طالبان نشان نمی‌دهند.
- 6- Vitaly Naumkin "The Russian - Iranian Relations: Present Status and Prospect For Future. Perceptions", March - May 1998.
- 7- *Ibid*
- ۸- صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ نوامبر ۱۹۹۷ که از طریق برنامه، B. Summary of World Broadcast, London B.C. در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۷ مجدداً منتشر شد. رادیوی ایران اعلام کرده بود که این اقدام پاسخ روسیه به فشار آمریکا و اسرائیل بود.
- 9- *International Herald Tribune*, 15 May 1998.
- 10- *International Herald Tribune*, 17 July 1998.
- 11- *The Middle East, Russia and the New States. a Monthly Report*, June 1998, European Press Agency Brussels.
- 12- *Russia and The Middle East: The Primakov Era, Middle East Review of International Affairs*, No 2 (May 1998).

روسیه به عنوان نایب رئیس شورای امنیت لایحه‌ای را پیشنهاد نمود که طی آن ادعا شده بود عراق طبق قطعنامه ۶۸۷ سازمان ملل در زمینه سلاحهای هسته‌ای به وظایف خود عمل کرده و خواستار بسته شدن پرونده شد. این موضوع بعداً بازنگری خواهد شد اما موقعیت کنونی ابهاماتی را بوجود می‌آورد. مسکو یقیناً از این پیش‌تر نخواهد رفت و مسلماً در جهت لغو تحریمها فعالیتی یک جانبه نخواهد داشت. به عبارتی می‌توان از روسیه انتظار داشت که خود را تا حد امکان بعنوان رقیب مطرح سازد اما بی‌تردید بعنوان دشمن عمل نخواهد کرد.

نویسنده: آن‌گرش

ترجمه: پروین امجدی

پژوهشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی